

بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

معصومه اسدی^۱

^۱ گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

چکیده

تکالیف درسی در فرایند تعلیم و تربیت از فعالیت‌های مهم و تاثیرگذار به شمار می‌روند و از آنجا که اغلب تکالیف در خانه انجام می‌شوند همراهی و مشارکت اعضای خانواده مخصوصاً والدین در انجام آن می‌تواند سبب افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شود. مشارکت دو نهاد خانه و مدرسه از اهداف نظام آموزش و پرورش می‌باشد و مشارکت در تکالیف یکی از رایج‌ترین انواع مشارکت والدین در امور آموزشی و تربیتی فرزندان است. هدف پژوهش حاضر بیان بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. روش‌های ضبط و جمع‌آوری این مقاله توصیفی است و روش گردآوری مطالب به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، پایگاه‌های اینترنتی و منابع الکترونیکی صورت گرفته است. نتایج به دست آمده از این تحقیق بر پایه فرضیات نشان می‌دهد که مشارکت والدین و حمایت آنان از تکالیف دانش‌آموزان در فضای خانه همراه با آرامش و صمیمت موجب تقویت یادگیری و رغبت دانش‌آموزان به فعالیت‌های درسی می‌شود و نیز بر پیشرفت تحصیلی آنان تاثیر مثبت گذاشته و معنی‌دار است.

واژه‌های کلیدی: مشارکت والدین، تکالیف درسی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان

مقدمه

امروزه در آموزش و پرورش کشورمان و حتی سایر کشور های جهان موضوع تکلیف شب یکی از موضوعات بحث انگیز تعلیم و تربیت به شمار می آید. تکلیف شب ابزاری است که فرصت ها و فعالیتهای خارج از مدرسه را برای رسیدن به اهداف برنامه درسی به طور موثر و آگاهانه به خدمت می گیرد. تکرار و تمرین و به قولی تکلیف به عنوان وسیله ای برای تثبیت یادگیری و کسب مهارت در آموزش های دریافت شده قدمتی به ازای تاریخ دارد. تا آنجا که لوحه های ثبت شده از زمان های قدیم نمایانگر تکلیف و تمرین بچه ها برای یادگیری است (شعاری نژاد، ۱۴۰۰؛ به نقل از پورعیدی، ۱۴۰۱).

آموزش و پرورش به عنوان یک سیستم اجتماعی نتیجه فعالیت های سه نهاد عمده خانه، مدرسه و جامعه است. نقش و جایگاه مدرسه به عنوان مهمترین شاخص جهت آموزش، پرورش و موفقیت دانش آموزان حیاتی و انکار ناپذیر است، اما نمی توان جایگاه والدین و ضرورت مشارکت آنها را نادیده گرفت؛ نقشی حیاتی و تاثیرگذار که بی شک بدون مشارکت والدین بخشی از اهداف آموزش و پرورش ناکام مانده و کودکان نیمی از آموزش های لازم را دریافت نمی کنند. مشارکت خانواده یا اندکی محدود تر مشارکت والدین به مجموعه گسترده از رفتارهایی که پدر و مادر در ارتباط با تجربیات آموزشی و یادگیری کودکانشان انجام می دهند، اطلاق می شود (فلیکس و دورنباک^۱، ۲۰۰۸؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ به نقل از بختیاری، ۱۴۰۰). مشارکت والدین در تعلیم و تربیت یک مفهوم چند بعدی است و فرم های گوناگون دارد، مانند انتظارات از پیشرفت تحصیلی فرزندان، فعالیت های محرک شناختی در خانه، درگیری والدین در تکلیف، ارتباط والد_فرزند و شرکت در فعالیت های مدرسه و اجتماع. به طور کلی مشارکت والدین هرگونه تعاملی میان کودک و والد است که امکان دارد سهمی در رشد کودک یا در شرکت مستقیم والد در امور مدرسه کودک داشته باشد و موجب علاقه مندی او به مدرسه شود (سو و همکاران^۲، ۲۰۱۰؛ دومونت و همکاران^۳، ۲۰۱۴؛ رحیمی و همکاران ۱۳۹۷؛ به نقل از بختیاری، ۱۴۰۰). امروزه با توجه به گسترش آموزش مجازی در مدارس، نقش والدین و مشارکت آنها در آموزش دانش آموزان بیش از گذشته نمایان شده است. نقش های والدین در فعالیت های آموزشی دانش آموزان به ویژه انجام تکلیف می توان به نقش های «راهنمایی و حمایت» و «یادآوری» تقسیم نمود. نقش راهنمایی و حمایت به منظور راهنمایی دانش آموزان در انجام تکالیف و توضیح شیوه انجام تکالیف است. اما منظور از نقش یادآوری این است که والدین فقط به یادآوری انجام تکالیف به دانش آموزان اکتفا می نمایند و هیچگونه راهنمایی انجام نمی دهند. نباید اینطور فرض کرد که والدین تکالیف دانش آموزان را انجام می دهند؛ بلکه باید مشارکت والدین را نوعی راهنمایی و کمک برای دانش آموزان دانست (بختیاری، ۱۴۰۰).

پیشینه پژوهش

پورعیدی (۱۴۰۱) مطالعاتی با عنوان (نقش مشارکت والدین بر تکلیف شب دانش آموزان در فضای مجازی) را مورد بررسی قرار داد. نتایج به دست آمده از این تحقیق برپایه فرضیات نشان داد که مشارکت والدین در ساختار تکالیف شب، ایجاد رغبت و رضایت در انجام تکالیف و نقش والدین در بهبود یادگیری تکالیف در فضای مجازی تاثیر مثبت گذاشته و معنی دار است. الهی، فیروزجایی و عابدینی (۱۳۹۹) پژوهشی تحت عنوان (نقش ابعاد مشارکت والدین در انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهر بابل) انجام دادند. نتایج نشان داد که مشارکت والدین بر انگیزش درونی و تنظیم مشخص شده تاثیر مثبت دارد. بر اساس تحلیل رگرسیون هیچ یک از ابعاد مشارکت والدین در پیشبینی تنظیم بیرونی نقش ندارد، اما مشارکت در خانه

^۱Felix & Dornbrack^۲Xu et al^۳Dumont et al

قدرت پیشبینی انگیزش درونی و تنظیم مشخص شده را دارد. با توجه به تأثیر مثبت مشارکت والدین بر انگیزش تحصیلی دانش آموزان، تقویت مشارکت والدین می تواند به بهبود یادگیری دانش آموزان کمک کند.

رحیمی، رسولی فتح آباد و زارع (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان (بررسی اثربخشی آموزش مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی بر انگیزه پیشرفت و اضطراب مدرسه دانش آموزان پایه اول شهرستان خاتم یزد) به این نتیجه دست یافتند که آموزش مشارکت والدین در انجام تکالیف برافزایش انگیزه پیشرفت تحصیلی و کاهش اضطراب مدرسه دانش آموزان موثر بوده است؛ بنابراین، می توان گفت که با بالا بردن کیفیت مشارکت والدین، می توان برخی از متغیرهای انگیزشی و هیجانی تحصیلی را تحت تأثیر قرارداد.

رحیمی، شیربند و اسعدی (۱۳۹۸) پژوهشی با هدف (بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام دادن تکالیف درسی با عملکرد تحصیلی در حوزه خواندن «نمره خواندن، سعی در انجام دادن تکلیف و اهمال کاری» دانش آموزان پایه ششم) انجام دادند. تجزیه و تحلیل آماری داده ها و نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون موید آن بود که از میان ابعاد مشارکت والدین، بعد کنترل از قدرت پیش بینی منفی برای نمرات خواندن و سعی در انجام دادن تکالیف و بعد ساختار، از قدرت پیش بینی مثبت برای نمرات خواندن و سعی در انجام دادن تکالیف برخوردار است؛ اما ابعاد مشارکت والدین، اهمال کاری فرزندان را پیش بینی نمی کنند. با توجه به یافته های این پژوهش می توان گفت، والدین با کاستن از رفتارهای کنترلی و محدودکننده خود و ایجاد ساختاری مناسب در خانه که از قابلیت های فرزندان حمایت کند، می توانند شاهد بهبود و افزایش عملکرد تحصیلی فرزندان در حوزه خواندن شوند.

سو^۴ (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی (کمک والدین درک شده توسط دانش آموز در انجام تکالیف: شناسایی مشخصات دانش آموز و روابط آنها با تلاش، تعلل و موفقیت در تکالیف) پرداخت. نتایج پژوهش او نشان داد دانش آموزانی که درک بالاتری از کمک و مشارکت والدین داشتند، تلاش بیشتری برای انجام تکالیف درسی خود انجام دادند و کمتر به تعویق انداختند. مالدونادو، وایت و دکلرک^۵ (۲۰۲۲) تأثیر مشارکت والدین در تکالیف: دو کارآزمایی تصادفی سازی و کنترل شده در آموزش مالی را بررسی کردند. این مقاله شواهد علی درمورد تأثیرات مشارکت والدین بر میزان یادگیری دانش آموزان را ارائه داده است. با استفاده از یک طرح آزمایشی با سه گروه آزمایشی، تأثیر مشارکت والدین در تکالیف مورد بررسی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل یافته ها نشان می دهد که مشارکت والدین در تکالیف به طور موثر سواد مالی دانش آموزان را در دو بعد دانش و رفتار بهبود می بخشد.

دتمرس و همکاران^۶ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان پشتیبانی و پیامدهای مشارکت والدین در تکالیف: همکاری خانواده_مدرسه چگونه بر مشارکت والدین و نتایج دانش آموزان تأثیر می گذارد؟ به این نتیجه دست یافته اند که کیفیت درگیری والدین در تکالیف به عنوان متغیر واسطه بین همکاری موثر خانواده_مدرسه با موفقیت و رفاه می باشد. نتایج این مطالعه نقش همکاری موثر خانواده_مدرسه را برجسته میکند که به عنوان یک عامل عملکرد کلیدی به بهبود کیفیت مشارکت والدین در تکالیف کمک میکند و در نتیجه پیشرفت و رفاه دانش آموز را ارتقا میدهد.

مبانی نظری

مفهوم تکالیف درسی

تکلیف در لغت نامه فارسی دهخدا چنین معنی شده:

^۴Xu

^۵Maldonado, Witte and Declercq

^۶Dettmers et al

۱_ چیزی از کسی خواستن که در آن رنج بود

۲_ زیاد از طاقت کسی را کار فرمودن

۳_ چیزی از کسی خواستن که او را از آن رنج رسد

۴_ کسی را در رنج انداختن (دهخدا، ۱۳۷۷).

از نظر آموزش و پرورش، اصطلاح تکلیف به معنای مجموعه فعالیت‌هایی است که به منظور تعمیق یادگیری دانش‌آموزان، در ساعاتی که در آموزشگاه حضور ندارند صورت می‌گیرد (رحمانی، ۱۳۸۱). هریس کوپر تکلیف را چنین تعریف می‌کند: فعالیتی عادی و در همه جا و هر وظیفه‌ای که از جانب معلم برای دانش‌آموزان تعیین شود (کوپر^۷، ۱۹۸۹). وارتون تکلیف درسی را فرآیندی چندوجهی می‌داند که در برگیرنده تعامل پیچیده‌ای از عوامل در بافت خانه و مدرسه و طیفی از همکاری گردانندگان مدرسه و دانش‌آموزان است (وارتون^۸، ۲۰۰۱). به طور ساده تمام والدین فکر می‌کنند تکلیف درسی برای بهبود وضعیت دانش‌آموز در دروس است و موجب موفقیت در تحصیل می‌شود این کاملاً درست است اما تکالیف درسی و چگونگی انجام تکلیف درسی موضوعی فراتر از آن چیزی است که ما فکر می‌کنیم ۱_ تکلیف درسی یعنی موفقیت و پیشرفت درسی ۲_ تکلیف درسی یعنی مسئولیت‌پذیری در زندگی ۳_ تکلیف درسی یعنی اعتماد به نفس در زندگی ۴_ تکلیف درسی یعنی سخت‌کوشی برای موفقیت ۵_ تکلیف درسی یعنی برنامه‌ریزی ۶_ تکلیف درسی یعنی تقویت حافظه ۷_ تکلیف درسی یعنی رشد توانایی‌های ذهنی و بدنی ۸_ تکلیف درسی یعنی آینده‌نگری (رامشینی، ۱۳۸۹؛ به نقل از بختیاری ۱۴۰۰).

ضرورت تکالیف درسی

برنامه‌های آموزشی رسمی رشد و تقویت همه ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان را در پی ندارد و همه اهداف را در زمان محدود به کلاس و مدرسه نمی‌توان به انجام رساند. از سوی دیگر، امکانات و هزینه‌های کافی برای صرف زمان بیشتر در برنامه‌های مصوب وجود ندارد. یکی از راه‌های جبران معضل یاد شده در کشورها، تکلیف دهی است. تعمیم و ارتباط دهی مطالب و آموخته‌های مدرسه‌ای در عرصه زندگی دانش‌آموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (نوری ساری، ۱۳۹۸). انجام تکالیف درسی موجب تقویت مهارت‌های اکتسابی جدید می‌شود و به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا برای فعالیت‌هایی که در کلاس باید انجام شود آماده باشند (بازرگان، ۱۳۹۶؛ به نقل از بختیاری ۱۴۰۰). در نظام آموزشی ایران که مشارکت اولیا غالباً بجز در زمینه امور مالی در زمینه معمول نیست بسیاری از اولیا عقیده دارند که تکلیف یادگیری مهم‌ترین وسیله ارتباط آنان با مدرسه است، اولیا با نظارت بر تکلیف ضمن آگاه شدن از برنامه‌های مدرسه متوجه می‌شوند که فرزندان آنان تا چه حد مطالب را آموخته و چه کمبودهایی دارند (بازرگان، ۱۳۹۶).

انواع ارائه تکالیف درسی

تکلیف تمرینی: شاید معروف‌ترین و سابقه دارترین نوع تکالیف شب، تکالیف تمرینی باشد که هدف آن تأمین فرصتی برای انجام مهارت‌های کشف شده به کارگیری آموخته‌های جدید است. تکالیف تمرینی موثر آنهایی هستند که از دانش‌آموزان خواهند تا آموخته‌های جدید را با روش شخصی و به طور قابل فهم به کار گیرند (امرسون و منسکین^۹، ۲۰۱۱؛ به نقل از درخشان زاده، ۱۴۰۱).

^۷Cooper

^۸Warton

^۹Emerson & Mencken

تکلیف آمادگی و آماده‌سازی: یکی از رایج‌ترین نوع تکلیف مخصوصاً در کلاس‌های بالاتر می‌باشد و هدف آن وادار کردن دانش‌آموزان به کسب اطلاعات به منظور آماده شدن برای بحث درس روز بعد است، این نوع ارائه تکلیف اگر با راهنمایی‌های معلم همراه نباشد کاملاً بی‌تفاوت است (ایرن و هندرسون، ۲۰۱۰؛ به نقل از درخشان زاده، ۱۴۰۱).

تکلیف بسطی و امتدادی: مجموعه فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که انجام دادن آنها سبب درک عمیق‌تر و پایدارتر موضوع درسی می‌شود. انجام دادن این تکلیف، نیازمند همکاری و همدلی مسئولان آموزشگاه و والدین می‌باشد. زیرا در این تکلیف نیمی از فکر متعلق به معلم و نیمی دیگر مربوط به دانش‌آموز است (ایرن و هندرسون، ۲۰۱۰؛ به نقل از درخشان زاده، ۱۴۰۱).

تکلیف خلاقیتی: خود شاگرد تکلیف را مشخص می‌کند که در زمره پیچیده‌ترین انواع تکلیف است، ممکن است انجام دادن این تکلیف فردی یا گروهی باشد. به این نوع تکلیف کمتر میتوان به صورت یک تکلیف یک شبه نگاه کرد. یکی از خصوصیات آن تمرکز بر تولید چیزهای بکر و جدید است. معلم مسلماً باید در جریان رسیدگی به این نوع تکلیف خلاقیتی، موارد متعددی را در نظر بگیرد و نمره‌ی شایسته‌ای را به دانش‌آموز بدهد (استروتز، ۱۳۸۴؛ به نقل از درخشان زاده، ۱۴۰۱). پژوهش‌ها نشان می‌دهد پدر و مادر و خانواده نقش مبهمی در آموزش و تربیت دانش‌آموز دارد گرایش مثبت دانش‌آموز به مدرسه، تمایل به حضور بیشتر، دستیابی به دستاورد بهتر، احساس امنیت، رشد پیشرفت درسی، پیدا کردن اعتماد به نفس، نگرش بهتر به معلم و مدرسه و ادامه تحصیل از نتایج مشارکت و نقش بیشتر والدین در امر آموزش است (حسنی، ۱۳۹۱).

مزایا و آثار مثبت تکلیف

مزایای غیر علمی تکلیف درسی پرورش ویژگی‌های رفتاری، مدیریت زمان، مسئولیت‌پذیری، یادگیری مستقل و درگیر ساختن والدین در جهت کار مدرسه را در بر می‌گیرد (وارتون، ۲۰۰۱). افزایش پیشرفت تحصیلی یکی از دلایلی است که بسیاری از معلمان را به ارائه تکلیف یادگیری می‌کشاند. رابطه معکوسی بین طولانی بودن مدت زمان تکلیف یادگیری و تاثیر آن در پیشرفت تحصیلی وجود دارد (سگینر^{۱۱}، ۲۰۰۹؛ به نقل از بختیاری ۱۴۰۰). رشد مهارت‌های مشارکتی مانند مسئولیت‌پذیری با یادگیری مستقل و مدیریت زمان از فواید دیگر تکلیف یادگیری است (وارتون، ۲۰۰۱). هریس کوپر آثار مثبت تکلیف را در چهار گروه مطرح کرده است: ۱_ تاثیرات فوری آموزشی، ۲_ تاثیرات بلندمدت آموزشی، ۳_ تاثیرات غیر آموزشی، ۴_ تاثیرات ناشی از مشارکت والدین. فراوان‌ترین منطق برای استفاده از تکلیف تاثیر سریع آن بر یادگیری است. طرفداران آن استدلال می‌کنند که مشق شب می‌تواند باعث تقویت دانش‌آموزانی گردد که برای انجام آن اجبار دارند. برخلاف منطق نظری موجود تاثیرات مثبت تکلیف و مشق شب شامل موارد زیر می‌باشد:

الف_ به یادسپاری بهتر دانش واقعی، ب_ افزایش درک موضوعات، ج_ غنی‌سازی برنامه‌های درسی، د_ رشد تفکر انتقادی، تشکیل مفاهیم و مهارت‌های پردازش اطلاعات. می‌توان گفت، تمام این منافع در یک تکلیف نمی‌تواند وجود داشته باشد (کوپر، ۱۹۸۹؛ به نقل از نوری ساری، ۱۳۹۸). مطالعه‌ای که در منزل انجام می‌گیرد می‌تواند موجب افزایش خودنظم‌دهی و خودمدیریتی و سازمان‌دهی بهتر زمان و تحقیق و جستجوی بیشتر شود و در نتیجه استقلال در حل مسئله را تقویت کند. سرانجام می‌توان گفت، ممکن است مشق شب تاثیرات مثبتی در والدین کودکان دبستانی داشته باشد و آموزگاران میتوانند از تکلیف منزل برای بیشتر شدن درک والدین و جذب آنها برای تعلیم و تربیت استفاده کنند. زمانی که دانش‌آموزان تکلیف را به منزل می‌آورند تا والدین آنها را ببینند و نیز درخواست معلمین از والدین برای کمک در انجام تکالیف مورد نظر، می‌تواند تاثیرات مثبتی برای کودکان در بر داشته باشد. در نتیجه دانش‌آموزان از ارتباط بین خانه و مدرسه

^۱Eren, o., & Hendersonn

^{۱۱}Seginer

آگاه می‌شوند و والدین می‌توانند علاقه خود را به پیشرفت تحصیلی فرزندانشان نشان دهند (به‌پژوه، ۱۳۸۷؛ به نقل از ساری نوری، ۱۳۹۸).

چالش‌های تکالیف درسی

یکی از چالش‌های موجود در زمینه تکالیف درسی چگونگی فراهم ساختن محیطی آرام و مناسب برای انجام آن است (هونگ و میلگرام^۱، ۱۹۹۹). چالش دیگر به حل و فصل حواسپرتی گوناگون مربوط است که اغلب در طوب زمان تکلیف اتفاق می‌افتد. مشکل دیگر به انگیزش پایین و حالت‌های هیجانی دانش‌آموزان در هنگام انجام تکلیف مربوط می‌شود. تکالیف اغلب به عنوان فعالیت دارای مطلوبیت کم تلقی می‌شود. یک چالش دیگر مدیریت زمان انجام تکالیف است تا دانش‌آموزان در موعد مقرر تکالیف را انجام دهند. درواقع این دغدغه مهم برای بسیاری از خانواده‌ها و مربیان است چرا که در اغلب موارد دخالت والدین در تکلیف، در مدیریت زمان تمرکز دارد (فورسبرگ^۲، ۲۰۰۷؛ به نقل از بختیاری، ۱۴۰۰).

دیدگاه والدین نسبت به تکالیف درسی

مسئله تکلیف و مباحث‌های مربوط به آن همواره برای والدین و دانش‌آموزان و معلمان مطرح بوده و هست و نظرات موافق و مخالف آن را برانگیخته است. برخی تعیین تکلیف را برای دانش‌آموزان ابتدایی کاری بی‌هوده می‌دانند و عقیده دارند که کودکان پس از یک روز طولانی و خسته‌کننده در کلاس درس وقتی به خانه می‌رسند بهتر است اوقات خود را به بازی و کار های غیر درسی اختصاص دهند. معلمان اغلب عقیده دارند که این اولیای دانش‌آموزان هستند که بر ارائه تکلیف درس در خانه تاکید می‌کنند تا خیالشان راحت باشد که بچه‌ها چیزی یاد می‌گیرند. از طرفی وجود تکلیف بچه‌ها را سرگرم کرده و مانع سروصدا و مزاحمت آنها در خانه می‌شود. آنان که موافق تکلیف هستند، آن را وسیله‌ای برای تشخیص توانایی‌های درسی کودکان می‌دانند و معتقد هستند که تکالیف درسی شاگردان می‌تواند وسیله‌ای برای برقراری ارتباط بین خانه و مدرسه باشد، زیرا اولیا از طریق نظارت بر تکالیف متوجه می‌شوند در مدرسه چه می‌گذرد و چه تغییراتی در محتوا و برنامه درسی داده می‌شود (بازرگان، ۱۳۹۶). مخالفان تکلیف نیز مطرح می‌کنند که تکلیف نابرابری‌های اجتماعی را گسترش می‌دهد زیرا وجود خانواده‌های نابرابر از نظر منابع تربیتی، سبب ادامه عدم موفقیت می‌شود. باعث کاهش انگیزه و افزایش اضطراب و خستگی می‌شود. فرصت و دقت برای انجام فعالیت‌های دیگر را کاهش می‌دهد. باعث ایجاد مشکلاتی در خانواده می‌شود که از آن با عنوان برنده شدن میدان جنگ یاد شده است، این حالت بخاطر دخالت والدین جهت اطمینان از انجام تکلیف توسط کودکان بوجود می‌آید (کوپر، ۱۹۹۸). البته باید توجه داشت که تکلیف شب هرگز نمی‌تواند به خودی خود مفید یا مضر تلقی گردد و سودمندی آن به عوامل و خصوصیات فردی و خانوادگی دانش‌آموز، عوامل کلاسی، برخورد والدین و بخصوص به ماهیت و چگونگی آن وابسته است (مروتی، ۱۳۹۹؛ به نقل از پورعیدی، ۱۴۰۱).

تعامل والدین با دانش‌آموزان در تکالیف درسی

شمار زیادی از محققان در سراسر دنیا معتقد هستند که کمک والدین به فرزندان خود برای انجام تکالیف مزایای زیادی دارد. تثبیت عادات تحصیلی و آموزشی مثبت، رفتارهای مطلوب و همچنین انتقال پیامی قوی مبنی بر ارزشمند بودن کلاس درس و مفهوم آموزش ازجمله نتایج همراهی والدین در انجام تکالیف فرزندان است. بنا به این مطالعات والدین نقش بسیار مهمی در زندگی دانشجویان دارند و قادر به افزایش موفقیت‌های تحصیلی آنها هستند (مایکل بارگر^۳، ۲۰۲۰؛ به نقل از

^۱Hong and Milgram

^۲Foreceberg

^۳Barger

پورعیدی، ۱۴۰۱). زمانی که کودک ابراز نیاز به کمک والدین برای انجام تکالیف خود می‌کند، والدین با گوش دادن به صحبت های کودک، حمایت از افکار کودک و غلبه بر موانعی که در طول آماده سازی تکالیف وجود دارد، مشارکت و تعامل خود را به فرزندان نشان می‌دهند (دومونت و همکاران، ۲۰۱۴؛ گیل و همکاران^{۱۵}، ۲۰۲۰). علاوه بر این، در این تعامل استقلال دانش‌آموزان مورد حمایت قرار می‌گیرد زیرا کمک فقط به درخواست کودک ارائه می‌شود، پس منظور از مشارکت والدین انجام تکالیف توسط والدین نیست. تحقیقاتی که در سطح متوسطه صورت گرفته نشان داد که کمک حمایت کننده و تعاملی به تکالیف رابطه مثبتی با پیشرفت دانش‌آموزان، مدیریت زمان تکالیف، تلاش برای انجام تکالیف درسی و انتظار برای تسلط بر تکالیفشان مرتبط بود (ترایوین و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۶؛ دومونت و همکاران، ۲۰۰۴؛ مورونی و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۵؛ نونیز و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۵؛ گیل و همکاران، ۲۰۲۰).

مفهوم مشارکت

از مشارکت تعاریف و تفسیر های متعددی به عمل آمده است. دلیل این گوناگونی بیان یک مفهوم که مورد پسند و پذیرش همگانی باشد کار ساده‌ای نیست در تعاریف مشارکت گفته‌اند مشارکت امری از پیش مشخص شده نیست بلکه باید ابعاد آن را خود ترسیم کنیم. مفهوم مشارکت به معنی دست در دست هم گذاشتن برای انجام کاری است و ابعاد آن می‌تواند اجتماعی، فکری، اقتصادی و سیاسی باشد (عصار، ۱۳۷۶). مشارکت یعنی درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص موقعیتهای گروهی است که آنان را برمی‌انگیزد برای دستیابی به اهداف گروهی، همدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. بر اساس تعریف فوق، درگیر شدن، یاری دادن و مسئولیت پذیری سه ویژگی مهم مشارکت می‌باشد (صالحی ریحانی، ۱۳۸۰). به مجموعه عقاید، تجارب، اطلاعات و رفتار های والدین که تاثیر مثبت در رفتار و آموزش و تربیت فرزندانشان دارد مشارکت می‌گویند. انسان موجودی زیستی، اجتماعی، روانی و معنوی است و در فراخنای رشد نیاز به آموزش و پرورش دارد. مشارکت والدین در پرورش و تربیت فرزندان با انتقال آموخته‌ها و تجارب از زندگی و همراه بودن والدین با مدرسه و آموزش فرزندان موجب یادگیری و آموزش درست آنان می‌شود. کارشناسان بر این باورند که مشارکت یعنی گذراندن وقت و ایجاد رابطه عاطفی قوی بین والدین و فرزندان که اهمیت زیادی در رشد روانی آنها دارد (نراقی‌زاده، ۱۳۹۵؛ به نقل از پورعیدی).

مشارکت خانواده با مدرسه در تکالیف درسی

انسان موجودی اجتماعی است و در حکم یک کنشگر اجتماعی تمایل به همکاری و مشارکت با دیگران دارد بر همین اساس هرکس عمدتاً آگاهانه و گاه ناخودآگاه برای تامین نیاز های خود به برقراری ارتباط و همکاری با دیگران می‌پردازد. خانه و مدرسه دو نهاد اجتماعی هستند که به ور مستقیم بر پرورش و رشد کودک تاثیر گذارند. همکاری و مشارکت این دو نهاد شرط اصلی موفقیت هر نظام آموزشی است و از لحاظ فراهم آوردن زمینه های لازم برای رشد فرزندان بسیار ضروری است. بدیهی است در مدرسی که پدر و مادر ها با اولیای مدرسه کمتر ارتباط دارند، دانش‌آموزان با مشکلات رفتاری زیادی مواجه‌اند و به عکس؛ بنابراین هردو نهاد فوق به ویژه نهاد خانواده باید به اهمیت و ضرورت این ارتباط در تربیت صحیح فرزندان بیشتر آگاه شوند و بکوشند وظیفه خود را به درستی انجام دهند (دهقان، ۱۳۹۶؛ به نقل از بختیاری، ۱۴۰۰). از آنجا که مدرسه بعد از خانه نهادی است که در رفتار و کردار و دگرگونی عواطف نوجوان نقش اصلی را بعهده دارد می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح و با

^۱Guill et al

^۲Trautwein

^۳Moroni et al

^۴Nonez et al

مشارکت معلمان و والدین حس همکاری، همدردی و آداب و نزاکت اجتماعی، سازگاری، مراعات نظم، تفکر منطقی، ایثار، شناخت خود و دیگران، احترام به حقوق دیگران، حل و رفع مسائل و مشارکت در محیط آموزشی را آموخت. خانه و مدرسه زمانی می‌توانند رسالت‌های آموزشی و تربیتی خاص خود را به نحو مطلوب انجام دهند که هریک شناخت تربیتی کافی داشته باشند و نقش تربیتی خاص خود را بایست انجام دهند. مسئله مشارکت والدین و مدارس از اهمیت زیادی برخوردار است، مشارکت والدین در مدارس باعث پیشرفت تحصیلی و تربیت بهتر دانش‌آموزان می‌شود. یاری رساندن اولیا به مدرسه و یادگرفتن آنها از مربیان تاثیر مستقیم بر میزان یادگیری، مباحث علمی و فرهنگی، و بکار گیری آنها در زندگی اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان خواهد داشت (داودی، ۱۳۸۵؛ به نقل از بختیاری، ۱۴۰۰). طی سالهای اخیر، انجمن های اولیا و مدارس در کشور ما، با انسجام و وسعت نظر بیشتر تلاش کرده‌اند روش های جدید همکاری و مشارکت اولیاء و مربیان را که زمینه های تربیتی و فرهنگی را نیز دربرمی‌گیرد، جایگزین شیوه های منسوخ گذشته سازند. تردیدی نیست که کوشش های مشترک اولیاء و مربیان، بابرنامه های سنجیده و درست و پرداخت به مسائلی که در هر دو حوزه خانواده و مدرسه وجود دارد، گام مهمی است در جهت رفع ابهام ها و دشواری های آموزشی و تربیتی و در این راه استفاده از تجربیات عملی سایر کشورها به طور حتم مفید و سودمند خواهد بود (شهریارپور، ۱۳۹۴؛ به نقل از پورعیدی، ۱۴۰۱).

اشکال و انواع مشارکت والدین در تکالیف درسی

با برنامه‌ریزی دقیق و مشاکت خانواده در امور تحصیلی فرزندان در مدرسه می‌توان دغدغه مذکور را به فرصتی برای برنامه ریزی بیشتر و همراهی خانواده با مربیان مدارس تبدیل کرد. به منظور مشارکت خانواده در تعلیم و تربیت لازم است اهداف، کارکردها، و موانع برنامه ریزی های علمی در بیان هرچه بیشتر به خانواده آموزش داده شود. با مشارکت والدین در فرایند تعلیم و تربیت پیشرفت تحصیلی فرزندان به طور چشم‌گیری افزایش یافته است. مدرسه به عنوان خانه دوم دانش‌آموزان نیازمند این مشارکت است (اشرفزاده اردکانی و بهجتی اردکانی، ۱۳۹۵؛ به نقل از بختیاری، ۱۴۰۰).

مشارکت انواع گوناگونی دارد. یکی از آنها مشارکت یک بعدی است، در مشارکت ی بعدی بویژه در آموزش و پرورش یک بعد از مشارکت مطرح است، نظیر مدرسه سازی توسط خیران مدرسه‌ساز یا کمک های مالی. درچنین مشارکتی بعد از انجام کمک، مشارکت پایان یافته تلقی می‌شود. در این نوع مشارکت، مشارکت کننده به صورت فرآیندی در تصمیم‌گیری و سهیم شدن در برنامه‌ریزی و اجرا و آموزش، دخالت چندانی ندارد (عطوفی سلمانی، ۱۳۹۵).

نوع دیگر مشارکت، مشارکت چند بعدی است که مشارکت کنندگان در ابعاد و عرصه های گوناگون مادی، مالی و فکری مشارکت دارند. مشارکت کنندگان در فرایند تصمیم گیری و برنامه ریزی و اجرا به طور کلی در فرایند آموزشی و پرورشی دخالت دارند و مشارکت می‌کنند. در این نوع مشارکت آگاهی و شناخت بنیاد مشارکت را تشکیل می دهد. از مصداقهای مشارکت چند بعدی در آموزش و پرورش می توان به فعالیتهایی از جمله مشارکت در انتخاب مدیران مدرسه، مشارکت در شوراهای مدرسه، مشارکت در تصمیم گیری های آموزشی و مشارکت در رفع کاستی های مدرسه اشاره کرد (اشرفزاده اردکانی و بهجتی اردکانی، ۱۳۹۵).

مشارکت والدین در آموزش به انواع رفتارهای والدین اشاره دارد که به طور غیر مستقیم بر توسعه شناختی کودکان و موفقیت مدارس اثر می گذارد. اما مداخله به عنوان شرکت والدین در فرایندها و تجارب آموزشی فرزندان تعریف شده است. مداخله همه فعالیتهایی را دربر می گیرد که عمداً به وسیله والدین به یادگیری پیوند داده می‌شود (بوفارد و ویز^{۱۹}، ۲۰۰۸). مداخله و مشارکت می تواند به شکلهای زیر باشد:

- ۱- مداخله در خانه: بحث های خانگی درباره فعالیتهای مدرسه فرزندان به نظارت بر پیشرفت تحصیلی فرزندان
- ۲- مداخله در مدرسه: الف - تماس یا تعامل با عوامل مدرسه ب - مشارکت مانند حضور در فعالیتهای مدرسه یا ناحیه .

^{۱۹}Bouffard and Weis

توصیف فعالیتهای مذکور دامنه ای از فعالیتهایی را از «مشارکت در مدرسه» تا «کمک به آموزش کودکان در خانه» دربر می گیرد. برخی نمونه رفتارهای والدین که در پژوهش های تجربی ارائه شده اند عبارتند از: شرکت در گردهمایی های اولیا و مربیان، عضو شدن در انجمن، داوطلب شدن در فعالیتهای مدرسه، کمک به کلاس درس، کمک در انجام تکالیف، بحث در مورد فعالیتهای مدرسه با فرزندان، کنترل پیشرفت بچه ها در مدرسه، تشویق و پاداش دادن به نمره های خوب، کتاب خواندن با فرزندان، الگو سازی رفتارهای مطالعه، بردن کودک به کتابخانه، تماس با مدرسه در مورد مشکلات، کنترل فعالیتهای خارج از مدرسه کودک و گفتگوی منظم با او (فانتوزو، دیویس و کینبرگ، ۱۹۹۵؛ به نقل از بختیاری، ۱۴۰۰).

محققان آموزشی انگیزه مشارکت یا مداخله والدین در آموزش را برآیندهای بهتر آموزشی برای فرزندان می دانند. بنابراین مداخله والدین هدفی ابزاری برای پیشرفت فرزندان است در نتیجه تأثیر مداخله والدین عموماً بر روی فرزندان اندازه گیری می شود (بختیاری، ۱۴۰۰).

دلایل عدم تحقق مشارکت والدین در تکالیف درسی

بیشتر مدیران مدرسه از اهمیت مشارکت والدین آگاهند و هر موضوعی از افت تحصیلی گرفته تا خشونت در مدرسه را به کمبود مداخله والدین نسبت می دهند. والدین به اندازه کافی از آموزش فرزندان حمایت نمی کنند و مدیران مدارس در ایجاد ارتباط با خانواده ها احساس درماندگی دارند. معلمان نیز اغلب از ارتباط با والدین رویگردان هستند. نتیجه تحقیقات نشان داد که معلمان نمی توانند والدین را در مشارکت در یک پیوند معنی دار تشویق نمایند (بختیاری، ۱۴۰۰). از جمله دلایل ارائه شده برای مقاومت معلمان برای ارتباط با خانواده ها موارد زیر است:

نگریستن والدین به عنوان یک تهدید، عدم درک اهمیت نقش والدین، باور نداشتن به مسئولیت برقراری ارتباط با والدین و عدم تمایل معلمان به صرف وقت با والدین (فلاین، ۲۰۰۷).

مشارکت والدین و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

نظام تربیت رسمی و عمومی برای تحقق رسالت و کارکردهای خود از مشارکت همه ی عوامل سهیم و مؤثر در جریان تربیت بهره مند میشود، اما در این میان به طور کلی بر ۲ رکن و عامل مهم و اساسی اتکا دارد که عبارتند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه و نهادها، سازمان های غیردولتی که این چهار رکن نقش تکمیل کننده و متعادل کننده یکدیگر را دارند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

در سند تحول آمده است: خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی نقش اصلی را بر عهده دارد و باید با کسب شایستگی های لازم، در امر تربیت فرزندان خود مشارکت فعال داشته باشد. خانواده باید دانش و مهارت لازم نسبت به اهداف، برنامه ها اصول و روش های حاکم در مدرسه، توانایی تعامل اثربخش و تعالی جویانه با نظام تربیت رسمی و عمومی را کسب نماید. از سوی دیگر، نظام تربیت رسمی و عمومی نیز باید زمینه ی حضور فعال خانواده ها و مشارکت همه جانبه آنان را در تمام سطوح تصمیم گیری و فعالیت ها (البته در چارچوب مبانی، اصول و سیاست های کلان نظام) فراهم کند (همان منبع).

بر این اساس نکات زیر قابل توجه است:

نکته اول: تاکید سند تحول بر نقش خانواده و اینکه از عوامل اصلی تحقق رسالت نظام تربیت رسمی و عمومی (حیات طیبه) می باشد.

نکته دوم: مکلف شدن نظام تربیت رسمی و عمومی بر ایجاد بستر لازم برای حضور فعال و مشارکت همه جانبه ی خانواده ها در تمام سطوح (بختیاری، ۱۴۰۰).

نکته سوم: مکلف شدن نظام تربیت رسمی و عمومی به آموزش خانواده ها برای ورود به عرصه ی مشارکت فعال که این امر با آموزش اهداف، برنامه ها، اصول و روش های حاکم در مدرسه، توانایی تعامل اثربخش و تعالی جویانه با نظام تربیت رسمی و عمومی میسر میشود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

حال با مشخص شدن جایگاه و اهمیت مشارکت خانواده‌ها در فرایند نظام تربیت رسمی و عمومی اجرایی شدن این بند از سند تحول بنیادین ضروری به نظر می‌رسد. در شرایطی که نظام تربیتی کشور برای ادامه راه توسعه‌ی فعالیت‌های خود نیاز دارد خانواده‌ها را به‌طور جدی در امر تربیت سهیم کند و در راستای تحقق حق و تکلیف والدین نسبت به تربیت فرزندان نقش خود را به‌قرار زیر بر عهده گیرد:

- ۱- انتخاب آگاهانه نوع مدرسه برای فرزندان خود.
- ۲- کسب آگاهی فزون‌تر نسبت به مسئولیت تربیتی خویش وعدم واگذاری تمامیت این مسئولیت به دیگران
- ۳- نظارت بر کارکرد مدرسه و ارائه‌ی بازخوردهای لازم و به‌موقع به مدیران و مربیان
- ۴- مشارکت در فعالیت‌های مدرسه‌ای مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه‌های درسی و تربیتی غیر الزامی در ساعات درسی و غیر آن.
- ۵- حضور فعال و اثربخش در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نظام تربیت رسمی و عمومی مانند حضورنمایندگان نهاد خانواده در سطوح مختلف شوراهای اعم از شورای مدرسه، شورای آموزش و پرورش منطقه و... تا سطح عالی.
- ۶- انتخاب سطوح بالاتری از تربیت برای فرزندان خود در ساحت‌های مختلف از طریق نظام‌های تربیتی جانبی و مکمل.
- ۷- مشاوره و راهنمایی فرزندان برای همراهی و تحقق اهداف و برنامه‌های مدرسه.
- ۸- ایجاد تشکیلات مردم‌نهاد برای توسعه‌ی کمی و کیفی نظام تربیت رسمی و عمومی (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰).

پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی به زبان ساده یعنی تغییرات حاصل در یادگیری دانش‌آموزان به طوری که منجر به تغییر رفتار شود و نمرات حاصل از امتحانات وی بهتر و بیشتر گردد (سرمد، ۱۳۹۰؛ به نقل از پورعیدی، ۱۴۰۱). پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از شاخص‌های مهم آموزش و پرورش است و تمام کوشش‌ها در این نظام درواقع تلاش برای تحقق این امر تلقی می‌شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان و جایگاه آنها در جامعه علاقه‌مند و نگران است و انتظار دارد دانش‌آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی‌ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (مرادی، ۱۳۹۱). تعاریف دیگری نیز از پیشرفت تحصیلی وجود دارد، پیشرفت تحصیلی عبارت است از موفقیت دانش‌آموزان در یک یا چند موضوع درسی مثل، فهم، درک، خواندن یا محاسبه عددی. چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمون‌های میزان شده تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس درس، آن طور که درکار مدرسه ارزیابی می‌شود، دلالت دارد. برای پیشرفت تحصیلی می‌توان ملاک‌های گوناگون در نظر گرفت که مشهورترین آنها میانگین نمرات کل می‌باشد. علاوه بر این تعاریف، از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص‌های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش و مفهوم انجام تکالیف و موفقیت دانش‌آموزان در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص یا موفقیت دانش‌آموزان در امر یادگیری مطالب درسی استفاده می‌شود. وجه مخالف آن افت تحصیلی است که یکی از معضلات نظام آموزشی می‌باشد که به شیوه‌های گوناگون همچون عدم موفقیت دانش‌آموزان در دستیابی به هدف‌های مقاطع مربوطه، مردودی و تکرار پایه‌های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس و بیکاری و بلامتکلیفی خود را نشان می‌دهد (مرادی، ۱۳۹۱).

عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی موضوعی است که در حال حاضر مورد توجه تمام کشورهای جهان است و هرساله مقدار زیادی از بودجه صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می‌شود و پژوهش‌های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می‌توانند بر پیشرفت تحصیلی تاثیر داشته، مانند محیط زندگی، خانواده، مدرسه و برنامه‌های آموزشی اختصاص یافته است. مطالعه عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی مسئله‌ای پیچیده است؛ چرا که پیشرفت عنصری چند بعدی است و به گونه‌ای ظریف به رشد جسمی، عاطفی،

اجتماعی و شناختی دانش‌آموزان مربوط است. در گذشته بسیاری از پژوهشگران روی تاثیر توانایی های ذهنی و شناختی بر پیشرفت تحصیلی تاکید می‌کردند (کرمی، شریعتی و صفری، ۱۴۰۲). به طور کلی عواملی که بر پیشرفت تحصیلی تاثیر دارند، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

عوامل فیزیولوژیکی: این عوامل شامل متغیرهای بدنی و فیزیکی یادگیرنده از جمله سوء تغذیه و سلامت جسمانی میشود. عوامل روانشناختی: این عوامل شامل متغیرهای روان شناختی از جمله، استعداد، خلاقیت خود پنداره، عزت نفس، نگرش نسبت به مسائل آموزشی، انگیزه پیشرفت، امکان کنترل و ویژگی‌های شخصی دیگر میشود. عوامل محیطی: این عوامل در برگیرنده متغیرهای بیرونی شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی (درآمد، تحصیلات، محل زندگی) متغیرهای مربوط به خانواده (تعداد افراد خانوار، سبک فرزندپروری والدین، ارزش‌های فرهنگی خانواده) و متغیرهای مربوط به محیط مدرسه (شرایط مدرسه، مدیریت مدرسه، نگرش ویژگی‌های معلمان، فرهنگ و جو سازمانی مدرسه) می‌شود (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

اغلب والدین علاقه‌مند به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود هستند اما تعداد کمی از آنها آنگونه که باید به مسائل درسی و تربیتی فرزندان خود رسیدگی می‌کنند. امر مداخله و مشارکت در تکالیف و فعالیت های درسی فرزندان می‌تواند به دلایل گوناگونی از جمله کمبود وقت، غیر منعطف بودن، شرایط شغلی و نداشتن همسویی و همکاری کافی با معلم و مدرسه اتفاق نیفتد. این درحالی است که شیوه های تدریس و روش های نوین آموزش به سمت مشارکت والدین و پیوند میان خانه و مدرسه پیش می‌رود و محکم تر شدن این پیوند تاثیر مستقیمی روی کیفیت تحصیل و پیشرفت دانش‌آموزان دارد. تحقیقات انجام شده نشان داده است که دانش‌آموزانی که تکالیف مدرسه خود را در محیطی آرام و بدون تنش و با نظارت و حمایت والدین انجام می‌دهند عملکرد تحصیلی بهتری داشته و یادگیری در آنها بیشتر اتفاق می‌افتد. بنظر می‌رسد دانش‌آموزانی که مطالب درسی و کلاسی را در خانه تکرار و تمرین می‌کنند و از مشارکت والدین خود برخوردار هستند احساس رضایت بیشتری از تحصیل و مدرسه دارند و برای یادگیری علاقه بیشتری نشان می‌دهند، البته در برخی از موارد والدین این مشارکت را با تنش و تنبیه همراه می‌کنند و اضطراب فرزندان را برای حل تکالیف افزایش می‌دهند که در این موارد مشارکت والدین آثار مطلوبی در پیشرفت تحصیلی ندارد. مشارکت و حمایت والدین در تکالیف دانش‌آموزان در صورتی که با آگاهی و صبر و حوصله باشد و از طرفی وقتی رابطه فرزندان در امر تحصیل با والدین قوی باشد و تعامل خوبی شکل بگیرد تلاش آنان برای رضایت و خشنودی والدین افزایش یافته و در در نهایت منجر به ارتقای سطح یادگیری و پیشرفت تحصیلی خواهد شد.

منابع

- اشرفزاده اردکانی، اعظم؛ و بهجتی اردکانی، فاطمه (۱۳۹۵). بررسی نقش مشارکت والدین در تعلیم و تربیت فرزندان، اولین همایش ملی تازه های تعلیم و تربیت در نظام آموزشی ایران.
- بازرگان، زهرا (۱۳۹۶). آیا انجام تکلیف شب به عملکرد درسی بهتر می انجامد؟، رشد آموزش ابتدایی، دوره بیستم، شماره ۷، ص ۲۴-۲۷.
- بختیاری، علی (۱۴۰۰). بررسی میزان مشارکت والدین در انجام تکالیف درس کاروفناوری پایه ششم دبستان های شهرستان اسدآباد در بستر آموزش مجازی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فرهنگیان.
- پورعیدی، مهدیه (۱۴۰۱). نقش مشارکت والدین بر تکلیف شب دانش آموزان در فضای مجازی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مرکز گناباد.
- تقیپور، حسینعلی؛ کشاورز لشکناری، روح اله و یوسف رشیدی، علی اصغر (۱۳۹۶). دانش محتوایی روش های معلمی و تاثیر آن بر پیشرفت تحصیلی. کنفرانس پژوهش های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی.
- حسینی، محمد (۱۳۹۱). راهنمای اجرای ارزشیابی توصیفی در دبستان، تهران: عابد.
- درخشان زاده، سمیه (۱۴۰۱). بررسی آموزش مهارت های کاهش استرس بر عملکرد تحصیلی و اضطراب تکلیف شب دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان نیشابور منطقه منطقه یک، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی غیردولتی شاندیز.
- دهخدا، علیاکبر (۱۳۷۷). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- رحمانی، رامین (۱۳۸۱). نقش تکالیف شب در یادگیری دانش آموزان با تأکید بر نقش والدین. مجله پیوند. شماره ۲۸۰. ۳۸-۴۷.
- رحیمی، مهدی. و شیربند، الهام. و اسعدی، سمانه (۱۳۹۸). بررسی رابطه کیفیت مشارکت والدین در انجام دادن تکالیف درسی با عملکرد تحصیلی در حوزه خواندن دانش آموزان پایه ششم. خانواده و پژوهش، ۱۶(۴(پیاپی ۴۵))، ۶۵-۸۱.
- رحیمی، مهدی؛ رسولی فتح آباد، فاطمه؛ و زارع، مریم (۱۳۹۸). تاثیر آموزش مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی بر انگیزش پیشرفت و اضطراب مدرسه دانش آموزان. روانشناسی مدرسه، ۸(۴(پیاپی ۳۲))، ۹۲-۱۱۱.
- صالحی ریحانی، سیدحسین (۱۳۸۶). بررسی رابطه رضایت شغلی و مشارکت جویی، فرهنگ مشارکت، شماره.
- عصار، علیرضا (۱۳۷۶). راههای عملی مشارکت مردم در آموزش و پرورش، مجله فرهنگ مشارکت، شماره.
- عطوفی سلمانی، محمدرضا (۱۳۹۵). روش های نوین مشارکت اولیاد آموزش و پرورش، پیوند فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵ - شماره ۴۳۷ و ۴۳۸ (صفحه ۴۰ - ۴۵).
- کرمی، رویا؛ شریعتی، صابر؛ صفری، فاطمه (۱۴۰۲). تاثیر مشارکت والدین در انجام تکالیف درسی دانش آموزان ابتدایی و پیشرفت تحصیلی آن ها. پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، (۵۹)، ۲۳۶-۲۵۰.
- مرادی، شیوا (۱۳۹۱). پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. آدرس اینترنتی: www.eloquent.persianblog.ir
- نوری ساری، زهره (۱۳۹۸). اهداف تکلیف شب و نقد آن از دیدگاه معلمان مقطع ابتدایی آموزش و پرورش ناحیه یک شهر قم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- الهی، زینب؛ حاجی تبار فیروز جانی، محسن؛ و عابدینی، میمنت (۱۳۹۹). نقش ابعاد مشارکت والدین در انگیزش تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی. خانواده و پژوهش، ۱۷(۱(پیاپی ۴۶))، ۱۰۳-۱۲۶.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
- Bouffard, S. & Weiss, H. (2008). Thinking big: A new framework for family involvement policy, practice, and research. The Evaluation Exchange, 14(1_2), 2-5.
- Cooper, H. (1989). Synthesis of research on homework. Educational Leadership, 47, 85-92.

- Dettmers, S., Yotyodying, S., and Jonkmann, K. (2019). Antecedents and Outcomes of Parental Homework Involvement: How Do Family-School Partnerships Affect Parental Homework Involvement and Student Outcomes? *Frontiers in Psychology*, Volume 10 | Article 1048.
- Dumont, H., Trautwein, U., Nagy, G., and Nagengast, B. (2014). Quality of parental homework involvement: predictors and reciprocal relations with academic functioning in the reading domain. *J. Educ. Psychol.* 106, 144–161 .
- Flynn, G. (2007). Increasing parental involvement in our schools: The need to overcome obstacles, promote critical behaviors, and provide teacher training. *Journal of College Teaching & Learning*, 4(2), 23-30.
- Guill, K., Bahr, I., and Ömerogullari, M. (2020). Qualität der Hausaufgabenhilfe in Elternhaus und Nachhilfeunterricht als Prädiktoren des hausaufgabenbezogenen likelihood, Bayesian estimation, and fixed reliability approaches. *Psychol. Methods* .
- Hong, E. Milgram, R. M. (1999). Preferred and actual homework style: A cross-cultural examination. *Educational Research*, 41, 251-265.
- Joana Elisa Maldonado, Kristof De Witte & Koen Declercq. (2022). The effects of parental involvement in homework: two randomised controlled trials in financial education, *Empirical Economics*, *Journal of the Institute for Advanced Studies*, 62, pages 1439-1464.
- Trautwein, U., Lüdtke, O., Schnyder, I., and Niggli, A. (2006). Predicting homework effort: support for a domain-specific, multilevel homework model. *J. Educ. Psychol.* 98, 438–456 .
- Warton, P. (2001). The forgotten voice in homework: Views of students. *Educational Psychologist*, 36, 155-165.
- Xu, J. (2023). Student-perceived parental help with homework: Identifying student profiles and their relations with homework effort, procrastination, and achievement. *Learning and Individual Differences*, 104, 102299.